

ولایت فقیه

از دیدگاه سیدعبدالحسین لاری

■ علی اخترشهر*

مقدمه

آیه‌الله سیدعبدالحسین فرزند سیدعبدالله موسوی نجفی لاری^۱ (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲ ق) در نجف به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و سطح، خارج را پیش اساتید مبرزی همچون میرزای شیرازی، فاضل ایروانی، شیخ حسینقلی همدانی فرا گرفت و به مقام اجتهاد رسید. در سال ۱۳۰۹ به دعوت گروهی از بزرگان لار به لارستان آمد و به عنوان مرجع تقلید منطقه به تدریس و کارهای عام المنفعه پرداخت. سرانجام سیدلاری در چهارم شوال ۱۳۴۲ دعوت حق را لبیک گفت.

ولایت فقیه از دیدگاه سیدلاری

نظریه ولایت فقیه دستاورد اندیشه سیاسی مکتب شیعه است و فقها آن را برای عصر غیبت امام معصوم ارائه کرده‌اند. برخی از فقها، گستره اختیارات فقیه را بسیار وسیع دانسته و معتقد به ولایت مطلقه فقیه شده‌اند. آیه‌الله سیدعبدالحسین لاری از فقهای عصر مشروطه از معتقدان به نظریه ولایت مطلقه فقیه است. وی این نظریه را در رساله «ولایت الفقیه» - که در ضمن حاشیه وی بر مکاسب شیخ انصاری است - ارائه کرده است.

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

معنای ولایت

«ولایت» برگرفته از ماده «ولی» است که به معنای سلطنت، رهبری و حکومت به کار می‌رود.^۲ در فقه ولایت در دو مورد استعمال می‌شود:

۱. مواردی که مولی علیه قادر بر اداره امور خود نیست، مانند میت، سفیه، مجنون، صغیر؛
۲. مواردی که مولی علیه قدرت بر اداره امور خود دارد، در عین حال اموری وجود دارد که سرپرستی و ولایت شخصی دیگر را می‌طلبد.

«ولایت فقیه» از موارد اصطلاح دوم است، زیرا فقیه که بر جامعه ولایت دارد، یعنی سرپرستی یکایک افراد آن جامعه، حتی سایر فقها و بلکه شخص خود را نیز بر عهده دارد. در تعریف ولایت فقیه آمده است: حکومت، زعامت و تصدی اداره امور اجتماعی، سیاسی مسلمانان به دست عالم دینی (فقیه) و یا حکمرانی فقیهان عادل بر مبنای مصلحت قاطبه مسلمانان و در راستای اجرای مقررات اسلامی را ولایت فقیه می‌گویند. بر این مبنا عالمان دین صلاحیت تصدی زعامت حکومت اسلامی را دارند.^۳

ولایت خداوند

در یک نگاه کلی، وقتی از ولایت فقیه سخن به میان می‌آید، مراد وسیله‌ای است که از طریق آن «ولایت الله» بر جامعه اعمال می‌شود؛ به عبارت دیگر، ولایت فقیه در طول ولایت خدا بر انسان قرار گرفته است.^۴

سیدلاری در باره کیفیت ولایت خداوند و کمیت قدرتش و مقدار سلطنت و حکومتش بر خلائق، معتقد به حکومت تامه و مطلقه خداوند بر عرشیان است. وی دلیل این امر را آیه کریمه «إنه علی کل شیء قدیر» ذکر می‌کند و این قدرت خداوند بر اشیا را «قدرة عامة ذاتية، بالأصالة بجميع الأشياء من دون تخصص و لا تقييد أصلاً و أبداً» می‌داند.^۵ پس از نظر سیدلاری، اصل اولی، ولایت خداوند بر همه افراد بشر در امور دنیوی و اخروی است.^۶

ولایت پیامبر و معصومین علیهم‌السلام

دومین اصل مورد قبول در مسأله ولایت، این است که پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام از سوی خدا منصب ولایت داشته‌اند؛ به عبارت دیگر، خداوند مراتبی از ولایت را که مربوط به اداره امور جامعه می‌شود، به پیامبر اسلام و ائمه تفویض کرده و اطاعت از ایشان را بر آحاد مردم واجب نموده است.

آیات متعددی هست که دلالت بر ولایت پیامبر و ائمه و وجوب اطاعت از ایشان می‌کنند؛ از آن جمله است: «النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم»^۷ و «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و أولی الأمر منكم».^۸

ولایت فقیه

اخبار متعددی، از نظر سیدلاری، بر ولایت فقیه دلالت می‌کند در این جا به برخی اشاره می‌کنیم: اخباری که دلالت بر ولایت فقیه می‌کند، از نظر سید لاری عبارتند از: «أن العلماء ورثة الأنبياء»: این روایت در شأن علما و بیان منصب آنها وارد شده است، سید معتقد است درباره این روایت امکان دارد اولاً، در سند روایت مناقشه کنند و ثانیاً، در دلالت این روایت بر ولایت فقیه خدشه کنند که هر دو اشکال صحیح نیست،^۹ چون اگر بپذیریم از لحاظ سند ضعیف است، این ضعف سند از طریق شهرت و امارات معتبر و همچنین ادعای عقلایی که بر این روایت شده، جابر سند خواهد بود؛^{۱۰} اما درباره مناقشه در دلالت روایت، انصاف این است پس از ملاحظه سیاق و صدر و ذیل روایت، اقتضا می‌کند که یقین و جزم پیدا کنیم بر این که روایت از حیث احکام شرعی در صدد بیان وظیفه علماست، همانند نبی و ائمه عليهم السلام که «أولى الناس في أموالهم» هستند.^{۱۱} نتیجه این که اگر قبول کنیم که این روایت از لحاظ دلالت ضعیف است، اما از طریق شهرت و اجماع منقول، این ضعف جبران می‌شود،^{۱۲} آنچه از این روایت حاصل می‌شود عموم سلطنت فقیه بر مردم است:

اما آنچه که لازم است توضیح داده شود این که وظیفه فقیه همانند امام است در سلطنت و ولایت مگر این که دلیلی این وظیفه را از دوش فقیه بر دارد و بر فقیه واجب نباشد «كألاً و امر الإقتراحیه و نحوها، كالخصائص» و به حیثی که اطاعت از فقیه در این موارد بر مردم واجب نگردد، در حالی که در این مسائل مردم باید از امام عليه السلام تبعیت کنند: «فَتَبَيَّنْ مِمَّا ذَكَرْنَا قِيَامُ الفقيه مقام الإمام في كل ما له من السلطنة والولاية عمومها إلا ما خرج بالدليل حيث لا يجب إطاعة الفقيه فيها وإن وجب إطاعة الإمام فيها».^{۱۳}

سید در پاسخ به این سؤال که ولایت پیامبر صلى الله عليه وآله چگونه اثبات می‌شود، معتقد است «از حیثی که خداوند قدرت و سلطنت دارد می‌توان ولایت پیامبر اسلام را اثبات کرد»، و از لحاظ سلطنت خدا و پیامبر فرقی نیست مگر این که سلطنت خداوند بالاصالة و استقلالی است، ولی سلطنت پیامبر بالتبع و الاستقبالی^{۱۴} است و همین طور منصب ائمه عليهم السلام در خلافت و ولایت مطلقه همانند پیامبر صلى الله عليه وآله در تمامی شؤون سلطنت و ولایت می‌باشد و فرقی هم بین سلطنت پیامبر و ائمه عليهم السلام نیست و تنها فرق این است که سلطنت پیامبر بلا واسطه است، ولی سلطنت امام با واسطه پیامبر می‌باشد:

من غير فرق بين السلطنتين أيضاً إلا في تلقى الاولى من حضرة المولى بلا واسطة، والثانية بواسطة.

همچنین منصب فقیه در خلافت و ولایت مطلقه همانند ائمه عليهم السلام است در تمامی موارد

سلطنت و ولایت فرقی بین سلطنت فقیه و امام نیست مگر این که اولی با یک واسطه است و فقیه با دو واسطه:

و كذلك منصب الفقيه هي الخلافة المطلقة عن الائمة عليهم السلام في كل مالهم من السلطنة و الولاية إلا ماخرج كالخصائص من غير فرق بين السلطنتين إلا في تلقى الاولى من الله بواسطه و الثانية بواسطتين.

پس منصبی که پیامبر و ائمه و فقها دارند، یک منصب مطلقه عامه است و همه چیزهای جدید و مناصب جدید بر اساس روش سابقه است و فرقی در آن نیست. حال سؤال این است، اگر در مورد فقیه‌ای که خلافت و سلطنت دارد، مسائلی به وجود بیاید که او در این مسائل شک و شبهه‌ای ایجاد شود، باید به چه چیزی رجوع کند؟ به عبارت دیگر، دلیل این مطلب از چه چیزی استنباط می‌گردد.

سید معتقد است در این قبیل مسائل باید به اخباری که دلالت بر سلطنت فقیه به طور مطلق می‌کند رجوع کرد، نه به اصول عملیه؛ اما اگر شک شود که فقیه در امر حکومت خود توانایی و قابلیت سلطنت بر یک مسأله‌ای را دارد، در این صورت باید به اصول عملیه رجوع کرد، نه به اخباری که دلالت بر سلطنت فقیه به طور مطلق می‌کند.^{۱۵} پس شأن سلطنت مطلقه بر ائمه از طرف نبی اثبات می‌شود، و همین طور سلطنت مطلقه برای فقیه از طریق ائمه قابل اثبات است.

مناصب فقیه

سید لاری معتقد است فقیه علاوه بر ولایت و قدرت تصرف بر جمیع جهات، دارای مناصب عدیده‌ای است که همه آنها را از ائمه معصومین کسب کرده است؛ این مناصب عبارتند از:

۱. ریاست، خلافت و سلطنت بر مردم همانند پیامبر و ائمه عليهم السلام؛
۲. منصب افتا: فتوا دادن در آنچه مکلفان غیر مجتهد، در زمینه مسائل دینی، به آن نیاز دارند، و آن دو مورد کلی دارد: یکی احکام و فروع شرعی و دیگری موضوعات استنباطی در ارتباط با احکام دینی. درباره این منصب فقها، میان مجتهدان اختلافی وجود ندارد؛
۳. منصب قضاء: ایشان، از این منصب به «منصب حکم» تعبیر می‌کند. این منصب همانند منصب افتا، برای فقیه ثابت است و هیچ‌کسی در آن اختلافی ندارد، چه از لحاظ فتوا و چه از لحاظ نص، مگر این که به آن از طریق امر به معروف و نهی از منکر ایراد شود که در این صورت نمی‌تواند مختص به فقیه باشد، بلکه بر همه لازم است در این امور قیام کنند هر چند با تقلید.^{۱۶} وی معتقد است هر چند بین حکم و امر به معروف فرق است، اما منافاتی ندارد که

فقیه‌ی هم حکم (قضاوت) کند و هم امر به معروف و نهی از منکر مثل امور حسبیه. ۴. امور حسبیه: به اعتقاد سید، احتیاط آن است که امور حسبیه به فقیه اختصاص داشته باشد؛ امکان دارد که فقیه در امور حسبیه دخالت نکند و این زمانی است که فقیه در انجام امور حسبیه عذر داشته باشد و یا مشکل داشته باشد و یا این که با تعطیل شدن امور حسبیه، اختلال نظام و فساد در جامعه ایجاد نشود، و چون حکومت یکی از موارد امور حسبیه است که با تعطیل شدن آن، اختلال نظام پیش خواهد آمد، در نتیجه لازم است مسائل امور حسبیه به فقیه واگذار گردد.^{۱۷}

۵. مواردی که غیر از فقیه بخواهد در اموری تصرف کند که باید با اذن امام باشد، آن موارد - در عصر غیبت - متوقف به اذن فقیه است. دلیل این امر، عرف و دلیل عقلایی است، مثل تصرف در اموال قاصران.

نتیجه آن که گر چه با پذیرش ولایت فقیه در بخش قضا و حدود، بسیاری از شعب ولایت فقیه تثبیت می‌شود، لیکن سید لاری به طور مطلق قائل به ولایت فقیه در عصر غیبت شده‌اند، یعنی ولایت فقیه را در جمیع مواردی که برای ائمه ثابت شده نافذ می‌داند به استثنای مواردی که به دلیل خاص مستثنا شده‌است مثل جهاد ابتدایی.

ولایت مطلقه فقیه

برای تبیین مراد سیدلاری از «خلافة المطلقه، ولایت مطلقه، سلطنت مطلقه»، لازم است که معانی «اطلاق» و «مطلقه» در بحث ولایت روشن شود. در این خصوص «اطلاق» به سه معنا به کار می‌رود:

۱- اطلاق در ولایت تکوینی و تشریحی: سید لاری معتقد است ولایت تکوینی نه در مورد انسان و نه غیرانسان، از شوؤن فقیه نیست؛ این نوع ولایت که به صورت بالذات و مستقل^{۱۸} مخصوص خداست.

ولایت تشریحی، به معنای تشریح و قانون‌گذاری نیز مختص خداست، و پیامبران الهی نیز نقش پیام رسانی و ابلاغ شریعت الهی را به مردم داشته‌اند، چنان که ائمه نیز در امر تشریح، مأمور ابلاغ و تبیین شریعت الهی به مردم بوده‌اند. ولایت فقها در این زمینه همان استنباط احکام با رجوع به کتاب و سنت است.

۲- اطلاق به معنای تصرف بی قید و شرط، و بدون در نظر گرفتن هیچ معیار و ملاکی، چنین ولایتی، نه برای فقیه ثابت است و نه برای امام و پیامبر.

۳- اطلاق، به معنای این که اولاً بالذات، و هیچ تکلیفی، در برابر کارهای نیکی که دیگران برای جلب رضای او انجام می‌دهند ندارد، مگر آن که از رحمت و رأفت، خود را در این باره

مكلف بدانند و برای کارهای نیکی که جهت جلب رضای او می‌شود پاداش مقرر دارد. ولایت مطلقه به این معنا مخصوص خداوند است.

از نظر سید لاری «اطلاق» از حیث دایره تصرفات مربوط به امر حکومت و مدیریت جامعه است و این همان معنای مقصود در بحث ولایت فقیه است که وظیفه ولی فقیه برقراری و حفظ امنیت اجتماعی، دفاع از جان، ناموس و اموال مسلمانان، از برجسته‌ترین مصادیق امور حسبیه است.

پس از نظر سید، فقهای عادل در عصر غیبت، در دو حوزه مسؤولیت دارند:

۱- همه آنچه از مسؤولیت‌های پیامبر و امام معصوم در مسأله حکومت و پاسداری از اسلام به شمار می‌رود، فقیه عادل نیز آن مسؤولیت‌ها را بر دوش دارد، مگر آنچه با نص یا اجماع و مانند آن مستثنا شده باشد؛

۲- همه کارهایی که در زمینه امور دینی و دنیوی از مؤمنان خواسته شده، ولی انجام آنها وظیفه خود یا گروه معینی نیست، انجام چنین کارهایی، وظیفه فقیه بوده و حق تصرف در آن مختص به اوست.^{۱۹}

درون مایه اصل ولایت فقیه عبارت از این اندیشه است که وقتی امام معصوم علیه السلام در میان مردم نباشد و در غیبت به سر برد، دیگر شخص خاص و معینی نمی‌تواند و حق ندارد که حاکم بر مردم باشد، بلکه از این پس، تنها ملاک‌ها و معیارهای خاصی است که باید در جامعه حاکمیت داشته باشد و این ملاک‌ها و معیارهائیز ملاک‌ها و معیارهای اختصاصی و ذاتی نیست، بلکه اکتسابی است و تمامی افراد امت در کسب آن یکسانند و می‌توانند، بلکه موظفند که آن‌را به دست آورند، و در صورتی که این ملاک‌ها به کار گرفته شود، امت اسلام در سیر تکاملی خویش از انحراف اصولی نجات می‌یابد.

ملاک‌های حاکم بر جامعه در زمان غیبت معصوم علیه السلام عبارت است از «علم و تقوا»، و این مطمئن‌ترین مجرای است که می‌تواند بیانگر احکام خدا از منبع وحی به میان مردم باشد و «فقیه جامع الشرایط» در فرهنگ اسلامی کسی جز اسلام شناس متقی نیست.

بدین‌گونه اصل «ولایت فقیه» زمینه تحقق رهبری فقیه عادل متقی آگاه به زمان و مدیر و مدبر و سیاست‌مدار و شجاع را فراهم می‌سازد. این چنین رهبری، بر اساس ارزش‌های مکتبی انتخاب می‌شود و امت از نظر مکتبی موظف است که لحظه لحظه زندگی فرد منتخب و جزئیات رفتار و تصمیمات او را زیر نظر داشته باشد، چرا که در اسلام فرد و گروه حاکم نیست، بلکه مکتب حاکم است. نظارت مستقیم و همه جانبه یکایک افراد امت در این باره تنها یک حق نیست، بلکه بنا به اصل امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه است.

سید لاری، مباحث علمی و استدلالی فقهی مفصلی را در اثبات این اصل اساسی و میزان

و اختیارات وسیع فقیه ولی امر در امر حکومتی و قضایی دارد و عام بودن وظیفه برای پیاده کردن حکومت اسلامی را حتی در زمانی که پیامبر و معصوم علیهم السلام در میان نباشند، برای فقیه جامع الشرایط با استدلالات متقن فقهی به اثبات می‌رساند. به عقیده او اجرای قوانین اسلامی در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست و «ولی فقیه» از جانب امام دوازدهم علیه السلام نیابت و خلافت عامه دارد که زندگی بشر را در غیبت او بر اساس وحی تنظیم کند.^{۲۰}

آیه‌الله لاری ضابطه کلی و مشروعیت قانون و مجلس و انجمن شورایی را ولایت فقیه می‌داند و برای رفع موانعی که در نهضت مشروطه بر سر اجرای قوانین الهی به وجود آمده و سد انحراف به غرب نهضت مشروطه، این اصل را ضابطه کلی و جامع علمی و عملی دانسته و می‌گوید:^{۲۱}

ضابطه کلی و جامع علمی و عملی شرایط ملی و رفع موانع فعلی، ولایت فقیه است که از تفسیر کلام گهر بار حضرت امام حسن عسگری علیه السلام به موازین آن پی می‌بریم:

«فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه مطيعاً، لأمر مولاه، فللعوام أن يقلدوه وذلك لا يكون إلا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم؛ أما من بين فقيهان و حکمای دین، آن‌کس که بر نفس و امیال نفسانی مسلط باشد و خویشتن‌دار از گناه و انحراف بوده و دین خود را پاس دارد و بر روی هوا و هوس خویش پانهد و تنها مطیع و فرمان‌بردار دستورها و احکام خداوند - اعم از فردی و اجتماعی - باشد، بر مردم است که از او پیروی کنند، ولی همه فقهای شیعه واجد این صفات نیستند، بلکه بعضی از آنها دارای این ویژگی‌های متعالی و واجد این شرایط سخت و مشکل هستند.

از طرفی، ایشان معتقد بودند که در زمان غیبت، فقیه می‌تواند با اجتماع شرایط، ابتداءً به بلاد کفار حمله ببرد (یعنی جهاد ابتدایی بکند) و حکومت اسلامی را در آن‌جا مستقر کند.^{۲۲}

ملزومات حکومت از دیدگاه سیدلاری

از ملزومات حکومتی می‌توان به امر قضا، اجرای حدود، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز جمعه، جهاد، و به طور کلی امور حسبیه اشاره کرد که در این جا به تبیین دیدگاه سیدلاری درباره این ملزومات می‌پردازیم:

۱. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهم‌ترین ملزومات حکومت، از دیدگاه سیدلاری، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. آنچه مورد اجماع همه فقهاست، وجوب این فریضه الهی است، باین‌وجود در عینی یا کفایی بودن آن اختلاف نظر است. در کتاب شجره طیبه درباره سیدلاری این‌طور آمده است:

امر به معروف و نهی از منکر را واجب عینی می‌دانست و هیچ وقت از آن خودداری نمی‌کرد و

در اجرای حدود الهیه و تعزیرات شرعیه، کوچک ترین توقفی و تعطیلی روا نمی‌داشت و در طرفداری از حق مسامحه نمی‌فرمود و در کار خدا به سخن کسان گوش نمی‌داد و هرگز با اهل معاصی و سیه کاران بعد از اتمام حجت مداهنه نمی‌کرد، روی این پایه بود که لار مهد ایمان و تقوا و معدلت گشته بود و در سر تا سر آن محفل ملاهی و مناهی وجود نداشت.^{۲۳}

وی در کتاب هدایة الطالبین فی اصول الدین در اثبات نبوت پیامبر اکرم ﷺ، یکی از صفات مهم پیامبر را مسأله امر ایشان به معروف و نهی ایشان از منکر می‌دانست و این عمل را دلیل یقین به نبوت پیامبر قرار می‌داد.^{۲۴} همچنین سید لاری معتقد است در جامعه یکی از راه‌های جلوگیری از معاصی و منکرات، انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است^{۲۵} که باعث می‌شود در جامعه و بلاد فساد دفع گردد و اگر حکم الهی در جامعه تعطیل شود، باعث زوال دولت‌ها و گسترش فساد در جامعه خواهد شد. برای همین، وی وظیفه مجلس و سایر انجمن‌ها را انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌داند:

اما وظیفه و تکلیف عام عموم سایر انجمن... و جوب امر به معروف و نهی از منکر و ملاهی و مناهی شرعیه می‌باشد.^{۲۶}

به هر حال از نظر سید لاری، امر به معروف و نهی از منکر بر همگان واجب عینی است که در پرتو آن می‌توان جلو ظلم و ستم را در جامعه گرفت و حاکمیت قانون خدا را استقرار بخشید.^{۲۷}

۲. اقامه حدود در عصر غیبت

از دیگر ملزومات حکومت از نگاه فقهای دوره مشروطیت بحث اقامه حدود الهی است؛ در این خصوص و از جمله مسائل بحث انگیز اساسی این دوره، به دو مسأله زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. آیا حدود شرعی در غیبت امام زمان باید اجرا شود یا نه؟

۲. در صورت اجرا، قدرت اجرایی با کیست؟

سید لاری در مقابل بعضی‌ها که معتقدند اجرای حدود در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه تعطیل خواهد بود و آن را مخصوص به امام معصوم یا کسی که امام او را مستقیماً برای این کار نصب کرده، می‌دانند، رد می‌کند و اجرای حدود را در عصر غیبت لازم و ضروری دانسته و معتقد است آیات متعدد قرآنی از جمله آیه دوم سوره نور، آیات ۳۸ و ۴۵ سوره مائده و آیات ۱۷۹ و ۱۹۴ سوره بقره مؤید آن است که اجرای حدود محدود به زمان خاص (زمان حضور امام) نمی‌شود و برای همه زمان‌ها ضروری است.

در پاسخ به مسأله دوم، به اعتقاد لاری، روایات و احادیث مبین آن است که اجرای حدود مخصوص حاکم است و هیچ کس حق مخالفت و معارضه با آن را ندارد:

چنانچه ولایت کلیه اجرای حدود شرعیه و سیاسات الهیه و احکام تکلیفه از هر جهت حق

حقیقت حاکم شرع عادل است لاغیر و کسی را حق مخالفت و معارضه نیست.^{۲۸}

بنابراین از دیدگاه سید لاری جلوگیری از فساد، امور حرام، هرج و مرج و حفظ جان و مال و ناموس مردم مصلحتی است که مختص به زمانی خاص نیست؛ از همین رو، ضرورت مقابله با کسانی که تعدی و تجاوز به حقوق مردم می‌کنند، امری ضروری و غیر قابل اجتناب است و این اقدام فقط باید به وسیله حاکمان عادل و یا نمایندگان و نواب آنها اجرا شود و از نظر سید لاری، نماینده حاکم عادل در عصر غیبت، فقیه جامع الشرایط است.

۳. امر قضا در عصر غیبت

از دیدگاه سید لاری، علاوه بر آن که امام و رهبر خود می‌تواند بر مسند قضاوت بنشیند، امر قضا و تعیین قضات یکی از شؤون اصلی حکومت است.

در عصر غیبت، امر قضا و فصل خصومت میان طرفین دعوا، از امتیازات فقیه جامع‌الشرایط است. نظر به این که قاضی را باید رئیس حکومت تعیین کند و چون رئیس حکومت امام علیه السلام است می‌بایستی از طرف امام تعیین شود. از آن جا که امام علیه السلام به صورت نصب عام، فقهای جامع‌الشرایط را برای همیشه نصب کرده، نیازی به نصب جدید نیست. سید لاری در تعلیقه‌ای که بر کتاب «قضاء» جواهر الکلام نگاشته، به این موضوع اشاره کرده است.^{۲۹}

بنابراین از نظر سید لاری، ولایت قضا از جمله امتیازات فقیه جامع‌الشرایط است و این نوع ولایت از ملزومات اصلی و بنیادین امر حکومت محسوب می‌شود.

۴. اقامه نماز جمعه در عصر غیبت

از جمله ملزومات حکومتی، اقامه نماز جمعه است. در این زمینه در حالی که گروهی از فقها و علما اقامه نماز جمعه را در عصر غیبت واجب نمی‌دانند، سلار بن عبدالعزیز و گروه قابل ملاحظه‌ای از فقها اقامه نماز جمعه در عصر غیبت را ضروری و از ملزومات حکومت تلقی می‌کنند. سید لاری علاوه بر این که به این مسأله معتقد بود، عملاً در لارستان به اقامه نماز جمعه می‌پرداخت و درباره «خطبه نماز جمعه» رساله‌ای به همین نام نگاشته است:^{۳۰}

وی نماز جمعه را واجب می‌دانست و آن را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شعایر اسلامی می‌شمرد که در پرتو آن می‌توان از انحراف‌های بزرگ در جامعه جلوگیری کرد و مردم را در مقابل دشمنان دین بسیج نمود، عزت مسلمین را بدان حفظ کرد و مسلمانان را از آنچه بر سرنوشت آنها می‌رود و از توطئه‌هایی که علیه آنان در جریان است آگاه نمود.^{۳۱}

سید در اول قرن گذشته، یعنی در حدود سال ۱۳۱۰ قمری (۱۲۷۱ شمسی) به احیای نماز جمعه پرداخت و خود در مقام مرجعیت تقلید به ایراد خطبه‌های جمعه و اقامه نماز همت گماشت.^{۳۲}

بنابر این سید اقامه جمعه را از مناصب فقیه جامع شرایط می دانست و بر این اساس، امامان جمعه عادل و شایسته‌ای را برای اقامه این شعار بزرگ الهی در شهرستان‌های منطقه و جنوب منصوب می‌کرد.^{۳۳} وی در مورد اقامه جمعه بسیار جدی بود و ترک آن را جایز نمی‌شمرد. ایشان از معدود فقیهانی است که در دوران غیبت، نماز جمعه را واجب عینی می‌دانست.

۵. امر به جهاد علیه کفار

به اعتقاد سیدلاری یکی دیگر از ملزومات حکومت، مسأله جهاد است. او معتقد است اصل و اساس اسلام به جهاد وابسته است، فتوحات تمام دوره‌های اسلامی محصول همین جهاد است، اقتدار تمام دولت‌ها از جهاد حاصل شده است؛ در این راستا به آیات و روایات زیر استدلال می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفْأً كَانَهُم بَنِيَانٍ مَرْصُوعِينَ»،^{۳۴} و «إِنَّ تَنْصِرَ اللَّهَ يَنْصِرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَعْدَاءَكُمْ».

حضرت علی ع می‌فرماید:

الجهاد باب من ابواب الجنة فتحة الله لخاصة أولياء و هو لباس التقوى و درع الله الحصينة و جنة الوثيقة، فمن تركه (رغبه عنه) ألبسه الله ثوب الذل و شمله البلاد و دنث بالصفار و القماءة.^{۳۵}

اوج این اعتقاد سید، در اعلام جهاد علیه هجوم نیروهای انگلیسی به ایران و اشغال صفحات جنوبی کشور متبلور شد. حکم جهاد، با استقبال وسیعی در خطه جنوب به ویژه در میان مبارزان دیر پای این خطه علیه استبداد و استعمار روبه رو گشت. این حکم در اردیبهشت ۱۲۹۷ (شعبان ۱۳۳۶) صادر شد و جنگ علیه انگلیس تا حدود دو سال در جنوب ایران تداوم یافت. وی در حکم جهادی که به همین مناسبت اعلام کرد، جهاد را امری واجب عینی می‌داند:

اعلان به هر کس و هر جا از مسلمین خارج و داخل، حتی بر نسوان و صبیان و سلطان فرمانفرما و قوام و اعراب و هر کس که لاف از مسلمانی میزند واجب فوری عینی است. خصوصاً در این زمان امتحان کفر و ایمان، جهاد و دفاع این کفار حربی ابالیس انگلیس و اعوان ایشان و سد ابواب طمع و جای قرا و راه فرار، از هر گوشه و کنار و کوچه و بازار بدون مهلت و انظار بعذاب النار و خزی عار و صفار.^{۳۶}

وی در این حکم جهاد معتقد است هر کس از این حکم تخلف بورزد مرتد و خارج از اسلام خواهد بود و مال و جان او مباح و محارب امام و الامام ع خواهد بود.^{۳۷} به هر حال از چهار حکم جهاد که سید لاری صادر کرده است، در هر چهارتای آنها حکم جهاد را واجب عینی دانسته است.^{۳۸}

پی‌نوشت‌ها

۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران (تهران: انتشارات زواری، ۱۳۵۷) ج ۶، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.
۲. ر.ک: فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۱۷۳۲؛ تاج العروس، ج ۱۰ ص ۳۹۸؛ فیومی، المصباح المنیر، ج ۲ ص ۳۹۶.
۳. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی (تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۳) ج ۲، ص ۳۲۶.
۴. سیدعبدالحسین لاری، رسائل سید لاری: ولایت فقیه (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۷.
۵. همان، ص ۲.
۶. همان، ص ۳.
۷. احزاب (۳۳) آیه ۶.
۸. نساء (۴) آیه ۵۹.
۹. سیدعبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری: ولایت فقیه، ص ۴.
۱۰. همان، ص ۵.
۱۱. همان.
۱۲. همان.
۱۳. همان، ص ۶.
۱۴. همان.
۱۵. همان.
۱۶. همان، ص ۹.
۱۷. همان، ص ۲۱.
۱۸. همان، ص ۱۰ - ۳۰.
۱۹. همان، ص ۱۵ - ۲۰.
۲۰. سیدعبدالحسین لاری، تعلیقات المکاسب (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ق) ج ۲، ص ۲۷۸، ۲۸۰.
۲۱. سیدعبدالحسین لاری، رسائل مشروطه: قانون مشروطه مشروعه، ص ۵۴.
۲۲. ر.ک. علی کریمی چهرمی، مهاجر الی الله: سیری در زندگی عالم مجاهد سید عبدالحسین لاری (قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۶).
۲۳. مهاجری، رسائل سید لاری: شجره طیبه، باب چهارم، ص ۲۱، ۲۲.
۲۴. سید عبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری: هدایه الطالبین فی اصول الدین، ص ۱۸.
۲۵. سید عبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری: قانون اداره بلدی، ص ۳.
۲۶. سید عبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری: قانون اتحاد ملت و دولت، ص ۵.
۲۷. محمدتقی آیت‌اللهی، ولایت فقیه، زیر بنای فکری مشروطه مشروعه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳) ص ۳۵.
۲۸. سید عبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری: قانون اتحاد ملت و دولت، ص ۵.

-
۲۹. رک: سید عبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری: تعلیقہ بر کتاب القضاء، جواهر الکلام، ص ۱۲۸ به بعد.
۳۰. رک: سید عبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری: خطبہ صلاة الجمعة، ص ۲.
۳۱. سید عبدالحسین لاری، رسائل سیدلاری، قانون د راتجاد ملت و دولت، ص ۵-۹.
۳۲. محمد تقی آیت الہی، پیشین، ص ۳۵.
۳۳. همان، ص ۳۵.
۳۴. صف (۶۱) ۴.
۳۵. نہج البلاغہ، خطبہ ۲۷.
۳۶. عبدالحسین لاری، رسائل سید لاری، ص ۴۵۳ و ۴۵۴.
۳۷. همان، ص ۴۵۴.
۳۸. همان.